



فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره

فراشایستگی‌های مسیر شغلی در نوجوانان: بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری مادران

سلاله محسن‌زاده کرمانی^۱، رضوان صالحی^۲ و محمد ربیعی^۳

۲۶

دوره ۷، شماره ۳، پیاپی ۳۶
پاییز ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۲/۱۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۵/۲۱
صص: ۲۶-۷

شاپا چاپی: ۵۳۲۲-۲۶۷۶



Q4

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی سبک‌های فرزندپروری مادران در رشد فراشایستگی‌های مسیر شغلی نوجوانان بوده است. روش پژوهش آمیخته (کمی-کیفی) بود. مرحله اول کمی بود و هدف از آن تشکیل دو گروه نوجوانان با فراشایستگی بالا و پایین بود؛ بنابراین جامعه پژوهش کلیه نوجوانان دوره دوم متوسطه شهر اصفهان بود. حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۲ دانش‌آموز برآورد شد که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و در پژوهش شرکت کردند. ابزار پژوهش سه پرسشنامه مرتبط با فراشایستگی‌های شغلی (انطباق‌پذیری شغلی، مهارت سواد هیجانی و هویت شغلی) بود. در این مرحله نمرات به‌دست‌آمده از سه فراشایستگی، به نمرات استاندارد Z و نمرات T تبدیل شدند. دانش‌آموزانی که در هر سه فراشایستگی، یک انحراف معیار بالاتر از میانگین بودند، در گروه با فراشایستگی بالا ($n=39$) و دانش‌آموزانی که یک انحراف معیار پایین‌تر از میانگین بودند، در گروه با فراشایستگی پایین ($n=35$) قرار گرفتند. نقش متغیرهای مهمی مانند جنسیت، رشته تحصیلی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی کنترل‌شده و با استفاده از آزمون خی دو مشخص شد تفاوت معنی‌داری بین دو گروه در این متغیرها وجود ندارد. در مرحله دوم پژوهش که به‌صورت کیفی انجام شد، مادران دو گروه بالا و پایین در فراشایستگی‌ها، به مصاحبه دعوت شدند. ابزار پژوهش مصاحبه هدایت‌شده بود که به بررسی و مقایسه سبک‌های فرزندپروری مادران دو گروه می‌پرداخت. نمونه‌گیری در این مرحله از هر دو گروه هدف تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. اطلاعات حاصل از مصاحبه، با روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) و مبتنی بر نظریه سبک‌های فرزندپروری دارلینگ و استنبرگ (۱۹۹۳) کدبندی شدند. نتایج نشان داد مضمون اصلی سبک فرزندپروری مادران در گروه فراشایستگی بالا، سبک پاسخگو و مضمون اصلی سبک فرزندپروری مادران در گروه فراشایستگی پایین، سبک آزادمنشانه بوده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت، ارتقا و رشد فراشایستگی‌های مسیر شغلی نوجوانان به شیوه فرزندپروری مادران و پاسخگو بودن آن‌ها دارد و مشاوره و آموزش‌های لازم در این زمینه توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، فراشایستگی‌های مسیر شغلی، نوجوانان.

۱. کارشناس ارشد مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

Solalejon1133@gmail.com

۲. استادیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

r.salehi@sku.ac.ir

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

Mohammad.rabiee@sku.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در جوامع قرن ۲۱، افراد باید نحوه برخورد با عواملی چون عدم اطمینان شغلی، بی‌نظمی شغلی، انتقال‌های متعدد شغلی و بیکاری یا انجام کارهای موقت را بیاموزند و متخصصان نیز باید به افراد آموزش بدهند که با وجود تمامی این موارد، بتوانند در شغل خود پیشرفت کنند و از تمامی موارد مذکور به نفع ارتقای اشتغال‌پذیری کمک بگیرند (ساویکاس و پروفلی، ۲۰۱۲). از این رو یکی از ملزومات قرن ۲۱، رشد و ارتقای فرا شایستگی‌های مسیر شغلی ۲ در نوجوانان است (محمدی، قدم‌پور میردریکوند و سپهوندی، ۱۳۹۹).

فراشایستگی‌های شغلی به‌عنوان مجموعه‌ای از منابع شغلی روان‌شناختی، در نظر گرفته می‌شوند که افراد از آن‌ها برای برنامه‌ریزی و مدیریت پیشگیرانه پیشرفت شغلی خود، استفاده می‌کنند. پیشوند «فرا» به معنای «بالتر» است؛ از این رو فرا شایستگی‌ها به آن دسته از توانایی‌ها، مهارت‌ها و شایستگی‌هایی گفته می‌شود که از هر صلاحیت پرورش‌یافته در درون فرد، فراتر است؛ بنابراین فرا شایستگی‌ها مهارت‌های اجتماعی هستند که توانایی فرد را برای تفسیر و مدیریت موفقیت‌آمیز ارتباطات اجتماعی، ارتقا می‌دهند؛ توانایی سازگاری فرد را با شرایط متغیر شغلی بهبود می‌دهند و افراد می‌توانند از این جعبه برای پاسخگویی مؤثر به انگیزه‌های زندگی‌شان استفاده کنند (خان^۳، ۲۰۱۷؛ کوتزی و هری^۴، ۲۰۱۴).

آنچه حائز اهمیت است این است که نوجوانی مرحله مهمی از رشد است که مشخصه بارز آن کشف، انتخاب، تصمیم‌گیری و ارتقا خود است (برون و لنت^۵، ۲۰۲۱)؛ بنابراین رشد مسیر شغلی نوجوانان با وجود فرا شایستگی‌ها در این مسیر برجسته می‌شود و می‌توان گفت طبق نظر فوگیت^۶، کینسکی و آشفورس (۲۰۰۴)، مهم‌ترین فرا شایستگی‌ها در این دوران، هویت^۷، انطباق‌پذیری^۸ و سواد هیجانی^۹ است. از این رو طبق پژوهش‌های مختلف در این

1 savicas & Profli

2 career meta competence

3 Khan

4 Coetzee & Harry

5 Brown and Lent

6 Fugate Fugate, Kinicki & Ashforth

7 identity

8 Career adaptability

9 Emotional literacy

حوزه و در نظر گرفتن بافت و جامعه ایرانی، پژوهش حاضر بر سه فرا شایستگی، ۱. هویت مسیر شغلی (فوگیت و همکاران، ۲۰۰۴؛ هایبو، ایکس‌او‌مینگ و زینجن، ۲۰۱۸). ۲. انطباق‌پذیری مسیر شغلی (فوگیت و همکاران، ۲۰۰۴؛ کوتزی و شرورد، ۲۰۱۴) و ۳. سواد هیجانی (فوگیت و همکاران، ۲۰۰۴؛ کوتزی و شرورد، ۲۰۱۴) متمرکز است.

به اعتقاد اریکسون (۱۹۶۸)، مهم‌ترین هدف در دوران نوجوانی، رشد هویت شخصی است. هویت، انواع مختلفی دارد که یکی از آن‌ها هویت مسیر شغلی است. این ساختار، ساختاری شناختی است که به افراد اجازه می‌دهد بین انگیزه، رغبت‌ها و شایستگی‌های خود با نقشه‌ای شغلی قابل قبول، ارتباطی به وجود آورند (هارتنگ، ساویکاس و والش، ۲۰۱۵، ترجمه صالحی و ربیعی، ۱۴۰۱). دو دیدگاه نظری مهم درباره آن وجود دارد: دیدگاه‌های رشد روانی هالند (۱۹۸۵) و اریکسون (۱۹۶۸). از نظر هالند، هویت شغلی شامل درک روشن، پایدار و منسجم از رغبت‌ها، توانایی‌ها و اهداف شغلی فرد است. دیدگاه اریکسون (۱۹۶۸) هم بر این است که وظیفه رشدی اصلی برای نوجوانان، تعریف هویت آن‌ها در سه حیطه اصلی زندگی شغلی، بین فردی و جهانی است؛ بنابراین هویت شغلی در دوران نوجوانی از عوامل فردی و اجتماعی (مثل ارتباطات بین اعضای خانواده و همسالان) نیز تأثیر می‌پذیرد. این تأثیر مداوم، در ایجاد تغییرات تازه در هویت فرد مؤثر است (بیرانوند، خدابخش، فلسفی نژاد و زارع بهرام‌آبادی، ۱۴۰۱).

از منظر دیگر، بررسی سواد هیجانی به‌عنوان یکی دیگر از فرا شایستگی‌های شغلی ضروری و مهم است. داشتن سواد هیجانی، به این معناست که بتوانیم احساسات را به‌گونه‌ای مدیریت کنیم که قدرت شخصی ما، کیفیت زندگی مان و مهم‌تر از همه کیفیت زندگی اطرافیان را بهبود ببخشد (المدر و انیلان، ۲۰۲۲). این سازه شغلی برخلاف هوش هیجانی که در دنیای صنعت و تجارت کاربرد دارد، در محیط آموزش و پرورش، مورد استفاده قرار می‌گیرد (اسدپرور، ۱۳۹۸). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سواد هیجانی با افزایش عزت‌نفس،

1 Haibo, Xiaoyu, Xiaoming, & Zhijin

2 Coetzee & Schreuder

3 Hartung, Savickas, and Walsh

4 Holland

5 Erikson

6 Alemdar & Anilan

خودکارآمدی، درک احساسات و نظرات دیگران، بهبود روابط و افزایش دوستان، مهارت حل تعارض، احترام به یکدیگر، همدلی، بهبود مهارت شنیداری و گفتاری و افزایش جرئت‌ورزی ارتباط دارد (بیگ^۱، ۲۰۱۹).

یکی دیگر از فرا شایستگی‌های شغلی، انطباق‌پذیری مسیر شغلی است (رامادانی، بودمین و بودمین^۲، ۲۰۲۰). سوپر^۳ (۱۹۵۷) و ساویکاس^۴ (۱۹۹۷) از نظریه‌پردازان برجسته در این حوزه هستند. آن‌ها معتقدند، نوجوانانی که از انطباق‌پذیری بالایی برخوردارند، به‌خوبی آمادگی انجام الزامات نقش‌های اجتماعی از جمله نقش‌های کاری را کسب می‌کنند. تحقیقات متعددی نشان داده که سبک فرزندپروری و حمایت خانواده، معلمان، دوستان صمیمی و همسالان از عوامل مهم در شکل‌گیری انطباق‌پذیری هستند که به‌تبع آن‌هم موجب پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی نوجوانان می‌شود و هم اضطراب و رفتارهای مشکل‌ساز آنان را کاهش می‌دهد (پارولا و مارکینیتی^۵، ۲۰۲۲؛ هالد، کالسکو، جزک، هیرسچی و مکی^۶، ۲۰۲۰؛ ویو، انبرواتی و کریسنزو^۷، ۲۰۲۰).

در مجموع می‌توان گفت فرا شایستگی‌ها و ابعاد آن می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی باشد؛ اما نقش عوامل خانوادگی در فراصلاحیت‌های شغلی مورد توجه پژوهشگران بوده و به‌عنوان یک دغدغه اساسی در این رابطه مطرح است که مهم‌ترین آن‌ها سبک‌های فرزندپروری والدین^۸ است. سبک‌های فرزندپروری با توجه دیدگاه‌های مختلف شامل مؤلفه‌های گوناگونی است؛ اما این پژوهش بر اساس سبک‌های فرزندپروری دارلینگ و استنبرگ^۹ (۱۹۹۳) بر سه شیوه‌ی فرزندپروری آزادمنشانه^{۱۰}، پرتوقع^{۱۱} و

- 1 Baig
- 2 Ramdhani, Budiamin, & Budiman
- 3 Super
- 4 Savickas
- 5 Parola & Marcionetti
- 6 Hlad' o, Kvasková, Ježek, Hirschi, & Macek
- 7 Wibowo, Ambarwati, & Crescenzo
- 8 parenting style
- 9 Steinberg & Steinberg
- 10 Autonomy-granting
- 11 Demandingness

پاسخگو^۱ متمرکز است. در شیوه‌ی فرزندپروری آزادمنشانه، والدین هیچ‌گونه کنترلی بر فرزندان ندارند و به آن‌ها آزادی بیش از حد می‌دهند و در تصمیمات آن‌ها هیچ‌گونه دخالتی نمی‌کنند. در شیوه‌ی فرزندپروری پرتوقع، والدین قوانین سخت وضع می‌کنند و از فرزندان انتظار پیروی دارند، بدون اینکه در مورد آن‌ها توضیح بدهند. در نهایت در شیوه‌ی فرزندپروری پاسخگو، والدین به حریم خصوصی فرزندان احترام می‌گذارند؛ اما به صورت نامحسوس، آن‌ها را تحت نظر دارند و برای صحبت با فرزندان وقت می‌گذارند (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳)؛ بنابراین با توجه به آنچه گفته شد فرض می‌شود، سبک‌های فرزندپروری در ارتقای فرا شایستگی‌های سواد هیجانی، هویت و انطباق‌پذیری مسیر شغلی نوجوانان نقش داشته باشد. در تحقیقات مشابه هم تأکید شده است که والدین با انتخاب نوع شیوه‌ی فرزندپروری در تصمیم‌های شغلی (سنکسون، کردوک و آیسک^۲، ۲۰۱۰)، خودکارآمدی، عزت نفس (کاندسن^۳، ۲۰۲۲) و عواطف (ژانگ^۴، ۲۰۲۲) آن‌ها نقش بسزایی دارند.

در نهایت می‌توان گفت، نوجوانی دوره‌ی تمایل به نگاه به آینده، به رسمیت شناختن حق خود برای تصمیم‌گیری، تمایل به کشف فرصت‌های شغلی و ایجاد حس کارآمدی در رویارویی با چالش‌ها است (هارتانگ و همکاران، ۱۴۰۱/۲۰۱۵). در ضمن شکل‌گیری هویت شغلی درست، قدرت انطباق‌پذیری و سرمایه‌های اجتماعی و انسانی مثل سواد هیجانی بالا، لازمه‌ی داشتن قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری در نوجوانان است؛ بنابراین تقویت فرا شایستگی‌ها و توجه به نقش والدین و خانواده به‌عنوان اولین بستر رشد همه‌جانبه نوجوانان، امری ضروری است. با توجه به پیشینه پژوهش، یکی از خلأهای پژوهشی در ایران بررسی نقش عوامل خانوادگی بر فرا شایستگی‌های شغلی نوجوانان است؛ بنابراین پژوهش حاضر در جهت پر کردن این خلأ، به بررسی سبک‌های فرزندپروری مادران در دو گروه از نوجوانان با فرا شایستگی‌های بالا و پائین پرداخته است.

1 Responsiveness
2 Cenkseven-Önden, Kirdök, & Isik
3 Knudsen
4 Zhang

روش پژوهش، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش آمیخته (کمی - کیفی) بود. این پژوهش در دو مرحله اجرا شد که مرحله اول آن به صورت کمی بود. در این مرحله برای دستیابی به اهداف موردنظر، نوجوانان به دو گروه با فرا شایستگی بالا و فرا شایستگی پایین تقسیم شدند. جامعه پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر اصفهان در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود که تعداد آن‌ها، ۷۴۷۱۸ بود. حجم نمونه موردنظر بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۲ دانش‌آموز برآورد شد. سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، دانش‌آموزان در پژوهش شرکت کردند؛ به این صورت که ابتدا از بین ۵ ناحیه آموزش و پرورش شهر اصفهان، ۳ ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شدند؛ سپس از بین مدارس مختلف موجود در سه ناحیه، ۷ مدرسه دخترانه و ۴ مدرسه پسرانه و از هر دبیرستان ۴ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس همه دانش‌آموزان کلاس در پژوهش شرکت کردند. تحلیل داده‌ها پس از یکپارچه کردن داده‌های مرحله اول، با استفاده از نسخه ۲۳ نرم‌افزار SPSS انجام شد. پس از آن ۳۹ نفر دانش‌آموزان فرا شایستگی بالا و ۳۵ نفر دانش‌آموزانی با فرا شایستگی پایین از ۳۸۲ نفر انتخاب شدند که مادران آن‌ها به عنوان جامعه در مرحله دوم وارد پژوهش شدند. مرحله دوم به صورت کیفی بود و اطلاعات حاصل از مصاحبه ضبط شده، پیاده شد و سپس مبنای طبقه‌بندی بر اساس منشأ شناسایی مضمون قرار گرفت. این روش را براون و کلارک^۱ در سال ۲۰۰۶ بر اساس دو نوع مضمون داده‌محور و نظریه‌محور معرفی کردند. مضامین داده‌محور بر اساس داده‌های تحقیق و مضامین نظریه‌محور بر اساس نظریه‌ها و تحقیقات شناخته می‌شود. از آنجاکه در این پژوهش سؤالات مصاحبه به صورت نیمه‌هدایت شده در جهت شناسایی سبک‌های فرزندپروری دو گروه بود، روش براون و کلارک به عنوان بهترین روش از بین روش‌های تحلیل مضمون انتخاب شد. در این مرحله نمونه موردنظر، مادران این دو گروه بود حجم آن‌ها تا اشیاع نظری داده‌ها از هر دو گروه ادامه یافت. بدین ترتیب تعداد نمونه در گروه فرا شایستگی بالا ۱۵ و در گروه فرا شایستگی پایین به ۱۴ نفر رسید.

1 Braun & Clarke

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل؛ دانش‌آموز دوره متوسطه دوم بودن، در بازه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال بودن و داشتن تمایل به مشارکت در پژوهش و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل؛ پرسش‌نامه‌های ناقص و عدم ادامه مشارکت با پژوهشگران بود. جهت رعایت اخلاق پژوهشی، موافقت و تمایل شخصی برای شرکت در پژوهش رعایت گردید، پرسش‌نامه‌ها به صورت بی نام پاسخ داده شد و یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها فقط برای بررسی اهداف و فرضیه‌های پژوهش مورد تحلیل و استفاده قرار گرفت. در مرحله اول پژوهش (کمی) از سه پرسش‌نامه استفاده شد که در ادامه ویژگی‌های روان‌سنجی هر یک از آن‌ها آمده است.

ابزار سنجش

۱. سیاهه وضعیت هویت شغلی دیلاس (DISI-O)^۱: به منظور سنجش هویت مسیر شغلی، از پرسش‌نامه هویت شغلی دیلاس (دیلاس، ۱۹۸۱) استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل ۳۵ سؤال در ۷ مجموعه ۵ عبارتی است که وجود یا عدم وجود اکتشاف و تعهد را اندازه می‌گیرد و افراد را در یکی از ۴ وضعیت: هویت شغلی موفق، هویت شغلی دیررس، هویت شغلی زودرس، هویت شغلی مغشوش قرار می‌دهد (رستگارخالد و نسپ‌پور، ۱۳۸۹). هر هویت شغلی، ۷ نمره به خودش اختصاص می‌دهد که کسب حداقل ۴ نمره توسط هر شرکت‌کننده، برای کسب آن کفایت می‌کند؛ بنابراین هر شرکت‌کننده باید حداقل ۴ و حداکثر ۷ نمره برای هر یک از پایگاه‌های هویت کسب کند. قابل ذکر است، در این پژوهش فقط از سؤالات مربوط به هویت موفق مسیر شغلی استفاده شد که شامل سؤالات ۱۰، ۲، ۱۵، ۱۶، ۲۳، ۲۹، ۳۲ است. دیلاس (۱۹۸۱) ضرایب پایایی این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ برای هویت موفق، ۰/۹۱ به دست آورد و کشاورز و همکاران (۱۳۸۹) ضریب پایایی هویت موفق را ۰/۷۶ در ایران گزارش کرده‌اند. پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر از طریق آلفای کرونباخ، ۰/۹۵ به دست آمد.

۲. مقیاس انطباق‌پذیری مسیر شغلی (CAAS)^۲: در این پژوهش از مقیاس ۲۴ ماده‌ای

1 Dellas Identity Status Inventory Occupation (DISI-O)

2 career adapt-ability scale (CAAS)

انطباق‌پذیری مسیر شغلی ساویکاس و پروفلی استفاده شده است و چهار بعد انطباق-پذیری مسیر شغلی را که عبارت‌اند از: دغدغه، کنترل، کنجکاوی و اعتماد اندازه‌گیری می‌کند (ساویکاس و پروفلی، ۲۰۱۲). هر زیرمقیاس شش سؤال را به خود اختصاص داده است. خرده‌مقیاس دغدغه (سؤال‌های ۱-۶)، کنترل (سؤال‌های ۷-۱۲)، کنجکاوی (سؤال‌های ۱۳-۱۸)، اعتماد (سؤال‌های ۱۹-۲۴). پاسخ‌دهندگان از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم: ۵ تا کاملاً مخالفم: ۱) استفاده می‌کنند. از این رو حداقل نمره ۲۴ و حداکثر نمره ۱۲۰ است که نمره پایین‌تر نشان‌دهنده انطباق‌پذیری کمتر و نمره بالاتر بیانگر میزان انطباق‌پذیری بالاتر در مسیر شغلی افراد است. ساویکاس و پروفلی (۲۰۱۲) روایی محتوایی و سازه این پرسش‌نامه را مورد تأیید قرار دادند و ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس ۰/۹۲ گزارش کردند. همچنین در ایران نیز صالحی و همکاران (۱۳۹۳) این مقیاس را ترجمه و اعتباریابی نمودند. آن‌ها شاخص‌های پردازش مقیاس را خوب گزارش نموده و پایایی کل مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش کردند.

۳. مقیاس مهارت‌های سواد هیجانی (ELSS): در این پژوهش از مقیاس مهارت سواد هیجانی (المدر و آنیلان، ۲۰۲۰) استفاده شد. این مقیاس حاوی ۳۱ سؤال است و از پنج خرده‌مقیاس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: انگیزه^۲ (سؤال‌های ۱ تا ۷)، همدلی^۳ (سؤال‌های ۸ تا ۱۱)، خودتنظیمی^۴ (۱۲ تا ۱۷)، آگاهی هیجانی^۵ (۱۸ تا ۲۳)، مهارت اجتماعی^۶ (۲۴ تا ۳۱). شیوه نمره‌گذاری بر مبنای طیف لیکرت، هرگز (۱) تا کاملاً درست (۵) است؛ بنابراین حداقل نمره ۳۱ و حداکثر نمره ۱۵۵ است که نمره پایین‌تر بیانگر سواد هیجانی کم‌تر و نمره بالاتر بیانگر میزان سواد هیجانی بالاتر است. المدر و آنیلان (۲۰۲۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای این مقیاس ۰/۸۵ و برای خرده‌مقیاس انگیزه، همدلی، خودتنظیمی، آگاهی هیجانی و مهارت اجتماعی به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۰، ۰/۷۰، ۰/۷۱ و

1 Emotional Literacy Skills Scale(ELSS)

2 Motivation

3 Empathy

4 Self-regulation

5 Emotional awareness

6 Social skills

۰/۷۷ گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرنباخ برای کل مقیاس ۰/۹۳ برآورد شد.

ابزار پژوهش در مرحله دوم پژوهش (کیفی) مصاحبه نیمه هدایت ۱ شده بود. بدین منظور سؤال اصلی عبارت بود از: می‌خواهم بدانم فرزندپروری شما چگونه بوده است؟ و سپس سؤالات به سمت رفتارهای فرزندپروری مثلاً نحوه وقت گذاشتن، گفتگو، حل مشکلات، انتظارات، تشویق و تنبیه، ارضای نیازها، نحوه تصمیم‌گیری و مانند این‌ها هدایت می‌شد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های کمی

در این مرحله نمرات خام به نمرات استاندارد Z و T تبدیل شد. سپس افرادی که در هر سه متغیر پژوهش یک انحراف معیار بالاتر از میانگین بودند به عنوان افراد با فرا شایستگی بالا و افرادی که یک انحراف معیار پایین‌تر از میانگین بودند به عنوان گروه با فرا شایستگی پایین گروه‌بندی شدند. سپس نقش متغیرهای کنترل در دو گروه بررسی شد. در جدول ۱ فراوانی و درصد فراوانی جنسیت افراد شرکت‌کننده در پژوهش بر اساس عضویت گروهی و همچنین نتایج آزمون خی دو دو متغیری جهت بررسی عدم تفاوت توزیع فراوانی بر اساس جنسیت، پایه و رشته تحصیلی در دو گروه فرا شایستگی پایین و بالا ارائه شده است.

جدول ۱. فراوانی و درصد فراوانی جنسیت، پایه و رشته تحصیلی به تفکیک گروه‌ها و

خلاصه نتایج آزمون خی دو در دو گروه فرا شایستگی پایین و بالا

آزمون خی دو		فرا شایستگی بالا		فرا شایستگی پایین		متغیرهای کنترل	
معنی داری	آماره	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۰/۰۵۲	۳/۷۷	۴۶/۲	۱۸	۶۸/۶	۲۴	دختر	جنسیت
		۵۳/۸	۲۱	۳۱/۴	۱۱	پسر	

1 Semi-structured interview

آزمون خی دو	فرا شایستگی بالا		فرا شایستگی پایین		متغیرهای کنترل	
	آماره	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	کنترل
۰/۳۳۱	۲/۲۱	۱۰۰	۳۹	۱۰۰	۳۵	کل
		۵۹	۲۳	۷۱/۴	۲۵	دهم
		۲۰/۵	۸	۸/۶	۳	یازدهم
		۲۰/۵	۸	۲۰	۷	دوازدهم
۰/۴۴۶	۱/۶۲	۱۰۰	۳۹	۱۰۰	۳۵	کل
		۴۸/۷	۱۹	۵۱/۴	۱۸	تجربی
		۴۱	۱۶	۴۵/۷	۱۶	ریاضی
		۱۰/۳	۴	۲/۹	۱	انسانی
		۱۰۰	۳۹	۱۰۰	۳۵	کل

بر اساس نتایج جدول ۱ آزمون خی دو نشان داد که تفاوت فراوانی تعداد دختران و پسران پایه تحصیلی ($\text{sig}=۰/۰۵۲$, $\text{chi}^2=۳/۷۷$)، پایه تحصیلی ($\text{sig}=۰/۳۳۱$, $\text{chi}^2=۲/۲۱$) و رشته تحصیلی ($\text{sig}=۰/۴۴۶$, $\text{chi}^2=۱/۶۲$)، معنی دار نبوده است؛ لذا متغیرهای جمعیت‌شناختی در هر دو گروه توزیع یکسانی دارند؛ بنابراین مادران این دو گروه از دانش‌آموزان در مرحله دوم پژوهش شرکت کردند.

ب) یافته‌های کیفی

در مرحله دوم، مادرانی که فرزندان با فرا شایستگی پایین داشتند، ۳ نفر (۲۱/۴ درصد) شاغل، ۱۱ نفر (۷۸/۶ درصد) غیرشاغل بودند و از لحاظ تحصیلی هم ۷ نفر (۵۰ درصد) دیپلم و ۷ نفر (۵۰ درصد) لیسانس بودند. مادرانی که دانش‌آموزانی با فرا شایستگی بالا داشتند، ۵ نفر (۳۳/۳ درصد) شاغل و ۱۰ نفر (۶۶/۷ درصد) غیرشاغل بودند و از لحاظ تحصیلی هم ۷ نفر (۵۰ درصد) دیپلم، ۲ نفر (۱۳/۳ درصد) کاردانی و ۴ نفر (۲۰ درصد) لیسانس بودند. در این مرحله اطلاعات حاصل از مصاحبه ضبط‌شده، پیاده شد و سپس مبنای طبقه‌بندی بر اساس منشأ شناسایی مضمون (داده‌محور و نظریه‌محور) قرار گرفت. خلاصه نتایج در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. خلاصه نتایج حاصل از مصاحبه بر اساس روش تحلیل مضمون پروان و کلارک

مضمین نظریه محور	مضمین داده محور	گروه
مادران پاسخگو	<p>وقت گذاشتن برای حل مشکلات فرزندان</p> <p>تحسین کارهای خوب فرزندان</p> <p>تکیه گاه بودن برای حل مشکلات فرزندان</p> <p>وقت صرف کردن برای صحبت و گفتگو با فرزندان</p> <p>انجام کارهای سرگرم کننده همراه با فرزندان</p> <p>تشویق فرزندان به صادقانه صحبت کردن</p> <p>شفاف و بی پرده صحبت کردن با فرزندان</p> <p>داشتن انتظارات شفاف از فرزندان</p> <p>سپردن برخی از کارهای منزل به فرزندان</p> <p>مدیریت در نظر گرفتن ارزش های فرزندان به همراه ارزش های والدین</p> <p>مشورت در تصمیم گیری های مهم</p> <p>استقلال فرزندان در تصمیم گیری های نهایی</p>	فرا شایستگی بالا
مادران آزادمنش	<p>دلسوزی و مهربانی بسیار زیاد در حق فرزندان</p> <p>آزادی کامل دادن به فرزندان</p> <p>فراهم نمودن امکانات</p> <p>وابستگی به والدین خصوصاً مادر</p> <p>عدم تنبیه و حتی تشویق</p> <p>توقع نداشتن از فرزندان</p> <p>راحتی و لذت</p> <p>عدم سخت گیری</p> <p>در اختیار فرزندان بودن</p> <p>همه مسئولیت های منزل با والدین خصوصاً مادر</p>	فرا شایستگی پائین

مندرجات جدول ۲ نشان می دهد که بر اساس داده های پژوهش کیفی، ۱۲ مضمون برای سبک فرزندپروری مادران گروه با فرا شایستگی بالا و ۱۰ مضمون برای سبک

فرزندپروری مادران گروه با فرا شایستگی پایین، به دست آمده است. سبک فرزندپروری گروه با فرا شایستگی بالا طبق نظریه، سبک پاسخگو بود و سبک فرزندپروری گروه با فرا شایستگی پائین طبق نظریه، سبک آزادمش بود. از بین نظریه‌های مرتبط با سبک‌های فرزندپروری، نظریه سبک‌های فرزندپروری دارلینگ و استنبرگ (۱۹۹۳) بیشترین شباهت را به مضامین به دست آمده از داده‌ها، داشت؛ بنابراین این نظریه مبنای مقوله‌بندی سبک فرزندپروری دو گروه قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بر اساس نظریه سبک‌های فرزندپروری دارلینگ و استنبرگ (۱۹۹۳)، مضمون اصلی سبک فرزندپروری گروه فرا شایستگی بالا، سبک پاسخگو و مضمون اصلی سبک فرزندپروری گروه فرا شایستگی پایین، سبک آزادمنشانه بوده است. در تبیین این یافته‌ی پژوهش می‌توان گفت هویت شغلی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های فرا شایستگی رابطه مستقیمی با سبک فرزندپروری پاسخگو دارد. این یافته با نتایج تحقیقاتی که نشان‌دهنده اثر روابط صمیمانه و محبت‌آمیز والدین بر رشد هویت فرزندان است، همسو است (نورانی، ساریون، لاتیف و مالانا، ۲۰۲۲؛ چو، ۲۰۲۲؛ جاستیا و ماریا، ۲۰۲۰). از این رو به نظر می‌رسد، والدین با ایجاد رابطه توأم با محبت و صمیمیت همراه با نظارت، برای فرزند خود تکیه‌گاه امنی را ایجاد می‌نمایند که طبق نظریه هارتانگ موجب می‌گردد، نوجوان با اتکا به این پایگاه، بین انگیزه، رغبت‌ها و شایستگی‌های خود با نقش‌های شغلی قابل قبول، ارتباطی را شکل بدهد (هارتانگ و همکاران، ۱۴۰۱/۲۰۱۵). از طرف دیگر هویت در نوجوانانی با سبک فرزندپروری آزادمنشانه، به‌خوبی شکل نمی‌گیرد. این یافته با نتایج پژوهش‌های فاطیما^۱ و همکاران، ۲۰۲۰ و فرنسیک و همکاران، ۲۰۲۱ همسو است. در واقع این گروه از والدین، آزادی بیش‌ازحدی را به فرزندان می‌دهند و در مورد فعالیت‌های تحصیلی و شغلی فرزندان، هیچ‌گونه دخالتی نمی‌کنند؛ لذا

1 Nuraini, Saryon, Latif, & Maulana

2 Chu

3 Justyna & Maria

4 Fatima

هویت شغلی در نوجوانانشان به خوبی شکل نمی‌گیرد؛ زیرا باتوجه به تحقیقات، کنترل والدین برای بروز هویت شغلی ضروری است (اسکوور، واده، تایلر، استنسن و یتیس^۱، ۲۰۱۹).

از نگاهی دیگر انطباق‌پذیری نوجوانان به عنوان مؤلفه‌ی دیگر فرا شایستگی، در جو عاطفی که توسط والدین پاسخگو فراهم می‌شود؛ رشد می‌کند؛ اما در عوض والدینی که شیوه‌ی فرزندپروری آزادمنشانه دارند؛ مانع رشد انطباق‌پذیری در فرزندان‌شان می‌شوند که این یافته‌ی پژوهش با نتایج پژوهش‌های ما، زانگ و زانگ^۲ (۲۰۲۲) و لبلانک و لیونز^۳ (۲۰۲۲) همسو و با نتایج پژوهش کاظمی، سلوکیان، عاشوری و معروفی^۴ (۲۰۱۲) ناهمسو است. در تبیین این یافته از پژوهش می‌توان گفت، والدین پاسخگو با ایجاد حمایت و فضای عادلانه، می‌توانند مؤلفه‌های انطباق‌پذیری از جمله عزت نفس، احساس مهم بودن، جرات و جسارت و اجرای تصمیمات مهم در حوزه‌ی تحصیلی و شغلی را در فرد تقویت کنند؛ اما از منظر دیگر، والدین با سبک فرزندپروری آزادمنشانه، با به‌کارگیری قواعد ناپایدار رفتاری و اصول نامنظم و همچنین فقدان کنترل و نظارت بر رفتار فرزندان، سطوح انطباق‌پذیری را کاهش می‌دهند.

با توجه به نتیجه پژوهش، والدین پاسخگو، فرزندان باسواد هیجانی بالا تربیت می‌کنند؛ درحالی‌که نوجوانانی با سبک تربیتی آزادمنش، از سواد هیجانی پایینی برخوردارند. در مورد این یافته‌ی پژوهش تحقیقی انجام نشده است؛ اما تحقیقات نصیرزاده (۱۴۰۱)، المغربی و طهرا^۵ (۲۰۲۲)، سریواستاو و بحرینی^۶ (۲۰۲۲) نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدرانه (پاسخگو)، هوش هیجانی را ارتقا می‌دهد؛ اما تحقیقات مرتضوی‌زاده، گلنر و فورستمیر^۷ (۲۰۲۲) با نتیجه‌ی پژوهش ناهمخوان است. والدین

1 Schorr, Wade, Taylor, Stancin, & Yeates

2 Ma, Zhang, & Zhang

3 LeBlanc & Lyons

4 Kazemi, Solokian, Ashouri, & Marofi

5 Elmaghraby & Tahra

6 Srivastava & Bharti

7 Mortazavizadeh, Göllner, & Forstmeier

پاسخگو طبق نظریه فاپل^۱ (۲۰۰۳) مؤلفه‌های سواد هیجانی از جمله انگیزش درونی، خودآگاهی، همدلی، مهارت اجتماعی و مهارت خودنظم‌دهی را در نوجوانان ارتقا می‌دهند (شمسی، بحرینی، روانی پور و باقرزاده، ۱۳۹۹). در عوض والدین آزادمنش، هیچ دخالتی در پروسه تحصیلی و شغلی فرزندان ندارند و در ابراز احساسات نیز از هیچ قاعده و ساختار پیروی نمی‌کنند، در نتیجه نوجوانان آن‌ها نمی‌توانند از مهارت‌های شناختی و رفتاری استفاده کنند و سواد هیجانی را در خود پرورش دهند (لان، اسکرمین و مسکاردینو^۲، ۲۰۱۹).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که شیوه‌های فرزندپروری در ارتقای سواد هیجانی، رشد انطباق‌پذیری و شکل‌گیری هویت شغلی مؤثرند؛ بنابراین انتظار می‌رود فرزندان که تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری مناسب هستند؛ از فرا شایستگی‌های بالاتری نسبت به افرادی که تحت تأثیر روش‌های نامناسب فرزندپروری قرار دارند؛ برخوردار باشند و به تبع آن سازگاری بیشتری برای ورود به چالش‌ها و مسائل هزاره‌ی سوم را داشته و از ظرفیت‌های بالاتر شناختی که زمینه‌ساز روابط اجتماعی قوی‌تر است، بهره‌مند گردند (پارمیتیر، پرسولز و نیلز^۳، ۲۰۱۹). نتایج احتمالی این پژوهش با شناخت عوامل خانوادگی روی فرا شایستگی‌ها، می‌تواند راهگشای تحقیقات بعدی باشد و همچنین می‌تواند راهنمای مناسبی برای مشاوران، معلمان، مدیران و والدین در جهت هدایت و کمک به نوجوانان برای انتخاب مسیر شغلی درست و معقول باشد. قابل ذکر است محدود بودن دامنه تحقیق به دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر اصفهان و احتیاط در تعمیم نتایج آن در زمان‌ها و مکان‌های دیگر از محدودیت‌های این پژوهش است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود برای افزایش قدرت تعمیم‌پذیری نتایج، این پژوهش در سایر شهرها و مناطق و جوامع دارای فرهنگ‌های مختلف و دیگر پایه‌های تحصیلی اجرا شود.

1 Faupel

2 Lan, Scrimin, & Moscardino

3 Parmentier, Pirsoul, & Nils

فهرست منابع

- اسدپرور، سکینه (۱۳۹۸). بررسی تأثیر سواد عاطفی و سواد رسانه‌ای والدین بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با نقش تعدیل‌گری ویژگی‌های جمعیت‌شناختی والدین. دانشکده علوم تربیتی، موسسه آموزشی عالی سناباد گلپه‌ار، گلپه‌ار.
- بیرانوند، شیرین؛ خدابخشی، آناهیتا؛ فلسفی نژاد، محمدرضا و زارع بهرام‌آبادی، مهدی (۱۴۰۱). مطالعه فرآیند و ماهیت هویت‌یابی شغلی در نوجوانان دختر: یک مطالعه داده‌بنیاد. روانشناسی فرهنگی، ۶(۲)، ۳۵۹-۳۸۷.
- ضیا، حسین؛ نسب‌پور، علی و رستگارخالد، امیر (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سرمایه‌های در دسترس جوانان بر هویت شغلی آن‌ها. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۲(۱۵)، ۱۵-۳۲.
- شمسی هوجقان، مهدی؛ بحرینی، مسعود؛ روانی پور، مریم و باقرزاده، راضیه (۱۳۹۹). بررسی ارتباط سبک‌های فرزند پروری مادران با مهارت‌های اجتماعی کودکان دبستانی. نشریه روان پرستاری، ۸(۵)، ۹۷-۱۰۷.
- صالحی، رضوان؛ عابدی، محمدرضا؛ باغبان، ایران و نیلفروشان، پریسا (۱۳۹۳). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس انطباق‌پذیری مسیر شغلی (CAAS). فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۴(۱۶)، ۶۵-۴۹.
- کشاورز افشار، حسین؛ خوش‌کنش، ابوالقاسم؛ خاص‌محمدی، مهدی و جهان‌بخشی، زهرا (۱۳۸۹). اثربخشی برنامه آماده‌سازی شغلی به روش گروهی بر هویت شغلی مغشوش دانشجویان دختر. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۲(۴)، ۹۶-۷۹.
- محمدی، عبدالله قدم‌پور، عزت‌الله؛ میردریکوند، فضل‌الله و سپهوندی، محمدعلی (۱۳۹۹). تدوین مدل علی رابطه میان چشم‌انداز زمان آینده و خودتنظیمی بلندمدت با تحول شغلی؛ تلویحاتی درباره مشاوره روان‌شناختی با والدین دارای فرزند نوجوان. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۰(۳۰)، ۲۲۸-۱۹۷.
- نصیرزاده، بهناز (۱۴۰۱). رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با هوش هیجانی در دانش‌آموزان.

فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی، (پیاپی ۱۶)، ۱۲-۱. هارتانگ، پی، جی؛ ساویکاس، ام. آل و والش، دبلیو. بی (۱۴۰۱). راهنمای مداخلات مسیر شغلی. جلد دوم: برنامه‌های کاربردی. (رضوان صالحی و محمد ربیعی، مترجم). انتشارات دانشگاه شهرکرد (نشر اثر اصلی، ۲۰۱۵).

- Alemdar, M., & Anılan, H. (2020). The development and validation of the emotional literacy skills scale. *International Journal of Contemporary Educational Research*, 7(2), 258-270.
- Alemdar, M., & Anılan, H. (2022). Reflection of social capital in educational processes: emotional literacy and emotional labor context. *Asia Pacific Education Review*, 23(1), 27-43.
- Baig, M. M. (2019). Emotional literacy in education. *International Journal of Reflective Research in Social Sciences*, 2(1), 74-76.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*. 2(3), 77-101.
- Brown, S. D., & Lent, R. W. (2021). *Career development and counseling: Putting theory and research to work*. John Wiley&Sons.
- Skakni, I., Maggiori, C., Masdonati, J., & Akkermans, J. (2023). Ready for careers within and beyond academia? Assessing career competencies amongst junior researchers. *Higher Education Research & Development*. 42(4), 968-983.
- Cenkseven-Önden, F., Kirdök, O., & Isik, E. (2017). High school students' career decision-making pattern across parenting styles and parental attachment levels. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*. 8(1), 263-280.
- Chu, L. (2022). Review on Influencing Factors of Gender Identity Development of Adolescent Individuals. *International Conference on Humanities and Social Science Research (ICHSSR 2022)* (pp. 1597-1603). Atlantis Press.
- Coetzee, M., & Schreuder, D. A. (2014). *Psycho-Social Career*

- Meta-Capacities*. Springer, NY.
- Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487–496.
- Dellas, M., & Jernigan, L. P. (1987). Occupational identity status development, gender comparisons, and internal-external control in first-year air force cadets. *Journal of Youth and Adolescence*, 16(6), 587-600.
- Elmaghraby, M. Tahra, M. (2022). Prediction of Perceived Parental Styles in Childhood to Emotional Intelligence as Ability in Late Adolescence. *Psychology*, 13(1), 41-59.
- Erikson, E. H. (1968). Identity, youth and crisis. *New York, NY: W.W. Norton & Co*, 14(20), 154-159.
- Fatima, S., Dawood, S., & Munir, M. (2020). Parenting styles, moral identity and prosocial behaviors in adolescents. *Current psychology*, 41,1-9.
- Faupel, A. (2003). *Emotional literacy assessment and intervention ages 11-16*. Southampton: Nfer-Nelson.
- Fugate, M., Kinicki, A. J., & Ashforth, B. E. (2004). Employability: A psycho-social construct, its dimensions, and applications. *Journal of Vocational behavior*, 65(1), 14-38.
- Haibo, Y., Xiaoyu, G., Xiaoming, Z., & Zhijin, H. (2018). Career adaptability with or without career identity: How career adaptability leads to organizational success and individual career success. *Journal of Career Assessment*, 26(4), 717-731.
- Hartung, P. J., Mark L. Savickas, M. L and Walsh, W. B. (2015). *APA Handbook of Career Intervention*. volume 1: Foundations. American Psychological Association • Washington.
- Holland, J. L. (1985). *Making vocational choices: A theory of careers* (2nd ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice- Hall.
- Hua, K., Hongwang, X., Yujian, D., Xuefeng, W., & Wei, Z. (2022). Effects of parenting mode on student adaptability: the mediating effect of irrational beliefs. *BMC psychiatry*, 22(1), 1-11.

- Justyna, M. K, Maria, K. (2020). The empathic family and the development of mature personal identity in emerging adults. *Journal of Youth Studies*. 23(3), 269-290.
- Kazemi, A., Solokian, s., Ashouri, E., & Marofi , M. (2012). The relationship between mother's parenting style and social adaptability of adolescent girls in Isfahan. *Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research [IJNMR]*.17 (2), 101-106.
- Knudsen, C. E. (2022). *The Impact of Parenting Styles on Adolescent Self-Esteem* (Doctoral dissertation, Southern Connecticut State University).
- Khan, R. (2017). *The influence of psychosocial meta-capacities on learning capacity development in a foreign governmentagency* (Doctoral dissertation).
- Lan, X., Scrimin, S., & Moscardino, U. (2019). Perceived parental guan and school adjustment among Chinese early adolescents: the moderating role of interdependent self-construal. *Journal of adolescence*, 71(5), 18-27.
- LeBlanc, J. E., & Lyons, S. T. (2022). Helicopter parenting during emerging adulthood: Consequences for career identity and adaptability. *Frontiers in Psychology*, 13, 1-18.
- Ma, H., Zhang, H., & Zhang, X. (2022). *The Relationship between Parenting Style and Emotional Development during Adolescence: The Effects of Gender Difference*. In 2022 8th International Conference on Humanities and Social Science Research (2022) (pp. 1889-1894). Atlantis Press.
- Mortazavizadeh, Z., Göllner, L., & Forstmeier, S. (2022). Emotional competence, attachment, and parenting styles in children and parents. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 35 (6), 1-12.
- Nuraini, F., Saryon, D., Latif, A., & Maulana, M. I. (2022). Relationship between Family and Community Factors and Ethnic Identity in Bantul Regency. *ITALIENISCH*, 12(1), 509-515.
- Parmentier, M., Pirsoul, T., & Nils, F. (2019). Examining the impact of emotional intelligence on career adaptability: A

- two-wave cross-lagged study. *Personality and Individual Differences*, 151, 109-446.
- Ramdhani, R. N., Budiamin, A., & Budiman, N. (2020). Career Meta-Competencies and Counseling Career Intervention 4.0 Era Using Life Design Career Counseling to Develop Career Adaptability. *1st International Conference on Information Technology and Education (ICITE 2020)*, 708–713.
- Savickas, M. L., & Porfeli, E. J. (2012). Career Adapt-Abilities Scale: Construction, reliability, and measurement equivalence across 13 countries. *Journal of vocational behavior*, 80(3), 661-673.
- Savickas, M. L. (1997). Career adaptability: an integrative construct for lifespan. *The Career Development Quarterly*, 45(3), 247-259.
- Schorr, E., Wade, S. L., Taylor, H. G., Stancin, T., & Yeates, K. O. (2019). Parenting styles as a predictor of long-term psychosocial outcomes after traumatic brain injury (TBI) in early childhood. *Disability rehabilitation*, 2(2), 1-7.
- Srivastava, M., & Bharti, J. (2022). Relationship between Parenting and Emotional Intelligence. *IGCRT Jurnal*, 10(1), 789-793.
- Super, D. E. (1957). *The psychology of careers*. New York: Harper and Row.
- Zhang, H. (2022). *The Factors, Effects, and Treatments of Parenting Styles on Young Adolescents' Academic Achievements*. In 2022 3rd International Conference on Mental Health, Education and Human Development (2022) (pp. 352-356). Atlantis Press.
- Parola, A., & Marcionetti, J. (2022). Career decision-making difficulties and life satisfaction: The role of career-related parental behaviors and career adaptability. *Journal of Career Development*, 49(4), 831-845.
- Hlad' o, P., Kvasková, L., Ježek, S., Hirschi, A., & Macek, P. (2020). Career adaptability and social support of vocational students leaving upper secondary school. *Journal of Career Assessment*, 28(3), 478-495.

Wibowo, D. H., Ambarwati, K. D., & Crescenzo, P. (2020). The role of grit and parent-child communication in career adaptability. *Psikohumaniora: Jurnal Penelitian Psikologi*, 5(2), 185-196.